

## تأثیر بابا فغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی

علی محمد موذنی؛ امیر ضیغمی

بابا فغانی شیرازی (م. ۹۲۵ق) از شاعران دوران ساز ادبیات فارسی است. طرز تازه او ۲۰۰ سال شعر فارسی را به انحای گوناگون تحت تأثیر خود قرار داده است. درباره زندگی فغانی آگاهی چندانی در دست نیست؛ ولی می‌دانیم که مولد او شیراز بوده و در جوانی به کاردگری اشتغال داشته (سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۷۴) به همین جهت در آغاز سگاک می‌تخلص می‌کرده است (همان؛ امین احمد رازی، ۱۳۴۰: ۲۲۰؛ اوحدی، ۱۳۸۸: ۵/ ۲۸۸۵). ولی در دیوانش هیچ‌جا اثری از این تخلص دیده نمی‌شود. بنابر روایت تذکره‌ها فغانی در اوایل حال رهسپار هرات شد (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱۷/۳). هرات در آن روزگار به یمن وجود امیر علیشیرنویسی، وزیر با کفایت سلطان حسین میرزا بایقرا، دیار هنر بود و شورآفرینان و شورانگیزان از اطراف واکتاف بدانجا می‌شتافتند؛ ولی فغانی در هرات اقبالی نیافت، چون «شعرايي که در عصر سلطان حسین میرزا بودند، تمکین وی نکردند، به جهت آن که گفتگوی آن‌ها به روش دیگر بود و بابا را گفتگو به طرز دیگر» (همان) و این طرز، آن قدر در نظر آنان عجیب و ناپسند آمد که از آن پس به تمسخر اشعار پوچ و بی‌معنی را «فغانیانه» می‌گفتند (اوحدی، ۱۳۸۸: ۵/ ۲۸۸۴).

فغانی، رنجیده از روزگار، از هرات آهنگ سفر کرد و به سوی تبریز شتافت. در آن جا به خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو (حک: ۸۸۳-۸۹۶ ق) پسر اوزون حسن درآمد و از طرف او لقب «بابایی» یافت (امین احمد رازی، ۱۳۴۰: ۲۲۰/۱). بابا، از آن پس همواره ملازم سلطان یعقوب بود، تا این که در یکی از جنگ‌ها دیوان اشعارش به همراه ساز و برگ سفر به غارت رفت و او از این واقعه به غایت متألم و متأثر شد؛ لذا نامه‌ای به برادر خویش در شیراز نوشت و از او خواست که آنچه از اشعارش در کتاب‌ها و بیاض‌ها موجود است، جمع‌آوری کرده و برای او بفرستد. بنابر این دیوانی که هم اکنون در دست است، پس از بابا تدوین شده و سرنوشت دیوانی که خودش ترتیب داده مشخص نیست! (اوحدی، ۱۳۸۸: ۵/ ۲۸۸۵).

پس از مرگ سلطان یعقوب در سال ۸۹۶ ق تا ظهور شاه اسماعیل صفوی اوضاع آذربایجان آشفته بود و فغانی هم مانند بسیاری دیگر از شاعران، چاره‌ای جز ترک آنجا و بازگشت به وطن نیافت (← بابا فغانی، ۱۳۴۰: هیجده). بابا در آغاز پادشاهی شاه اسماعیل صفوی به خراسان سفر کرد و مدتی در ابیورد ساکن شد، ولی در اواخر عمر به مشهد مقدس رفت، عاقبت نیز در آن جا مفلوج شد و در سال ۹۲۵ ق درگذشت (اوحدی، ۱۳۸۸: ۵/ ۲۸۸۵).

قرن نهم برای شعر فارسی قرن تقلید و تکرار است. از معایب معنوی شعر این دوره ضعف ابداع و رکود نسبی خلاقیتی است که شعر شاعران بزرگ را ممتاز می‌سازد. ابتکاراتی که در شعر این دوره دیده می‌شود، فرعی و محدود است (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۱۳)، از طرفی کلام شعرا غالباً طوری است که خواننده ثقل لفظ را احساس می‌کند و گاه در کسب معنی دچار تردید و تأمل می‌شود (همان، ۱۰۶). ویژگی‌هایی چون لغزش‌های زبانی، تصنع و تکلف، معانی غریب و دور از ذهن و در یک کلام عدم فصاحت و بلاغت، کار شعر را به جایی رسانده بود که جامی در مورد آن می‌گوید:

کیست شاعر کنون یکی مدبر ز ژاژ خاید ظرافت انگارد

که نداند زجهل هر از بر هرزه گوید لطیفه پندارد (صفا، ۱۳۶۶: ۱۵۲/۴)

در شعر این دوره، کسی را که باید «بانی طرز تازه» دانست، بابا فغانی شیرازی است؛ چرا که «فغانی با تأکید بیشتر بر تازگی تشبیهات و استعارات باب تازه‌ای به سوی ایجاز و اختصار و ظرافت‌های جدید در شعر گشود» (Nasir, 2009: 155). واله داغستانی مؤلف تذکره ریاض الشعراء درباره وی می‌نویسد: «بابای مغفور مجتهد فن تازه‌ای است که پیش از وی احدی به آن روش شعر نگفته است» (واله داغستانی، ۲۰۰۱: ۴۸۶)

تقی‌الدین اوحدی در عرفات العاشقین می‌نویسد: «چون شعرای خراسان وی را دیدند، طرز و روشی که مخالف ایشان بود از وی مشاهده نمودند آن را نپسندیدند، چه به غایت غیر مکرر و عجیب به نظر ادراک ایشان جلوه کرد» (اوحدی، ۱۳۸۸: ۵/ ۲۸۸۴) و به همین دلیل برای تمسخر وی از آن پس اشعار پوچ و بی‌معنی را «فغانیانه» می‌گفتند (همانجا). صاحب تذکره نتایج الافکار بابا فغانی را از جمله کسانی می‌داند که «از روش متقدمین اندکی تجاوز کرده، به طرز خاص سخن پیراگشتند» (گوپاموی، ۱۳۳۶: ۱۴). مؤلف تذکره حسینی هم، بابا را «طرز طرز تازه» معرفی می‌کند (سنبهلی، ۱۸۷۵: ۲۴۲). غرض این که اکثر قریب به اتفاق تذکره‌نویسان به وجود طرزی نو در اشعار بابا فغانی معتقدند.

پس طرز بیان ساده؛ ولی استوار و درست و خالی از تکلف همراه با نکته‌سنجی و مضمون‌آفرینی و به کار داشتن خیال‌های لطیف و عاطفه و احساس رقیب و پر شور، به همان گونه که در سخن فغانی و معاصران و هم طرازانش می‌بینیم تا مدتی دراز

ادامه داشت و در این میان طبعاً راه تحوّل می پیمود، به اضافه این که زبان فارسی هم در این مدت در حال تحوّل بود و می توانست به نوبه خود در دگرگونی تدریجی سبک مؤثر باشد (صفا، ۱۳۶۲: ۵ (۱/۵۲۸).

### جریان‌های شعری عصر صفوی

در عصر صفوی، با جریان‌های شعری کاملاً متفاوتی روبه‌رو هستیم و به هیچ عنوان نمی‌توانیم بر سبک شعر شاعرانی همچون وحشی، محتشم، عرفی، نظیری، صائب، بیدل، اسیرشهرستانی و... نام واحدی نهیم. سبک شعر فارسی در این دوره، به دو شاخه «مکتب وقوع» و «سبک هندی» تقسیم می‌شود. ولی در واقع سبک هندی نیز خود در دو بستر تقریباً متفاوت جریان یافته است؛ الف) شیوه تمثیل گرایان (پیروان اسلوب معادله) ب) شیوه خیال‌بندان (پیروان طرزخیال).

حال به طور اجمالی به معرفی سبک‌های مذکور و جستجوی ریشه آن‌ها در شعر فغانی می‌پردازیم:

۱) مکتب وقوع (سبک وقوع): این مکتب در ربع اول قرن دهم در شعر فارسی به وجود آمد و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت و غرض آن بیان حالات عشق و عاشقی از روی واقع بود (گلچین معانی، ۱۳۷۴: ۳). از شاعران برجسته این مکتب باید به وحشی بافقی، محتشم کاشانی، میلی مشهدی و شرف جهان قزوینی اشاره کرد. رگه‌های وقوع گویی در دیوان بابافغانی بوضوح قابل مشاهده است و ادامه همین راه است که در اشعار وحشی بافقی تشخیص می‌یابد و در دیوان شرف جهان به اوج خود می‌رسد، به طوری که سراسر دیوان او مملو از مضامین وقوعی است. ۱۰ به ابیات زیر از یک غزل فغانی که به سبک وقوع سروده شده است؛ توجه کنید:

امروز صفای دلم از سیم تنی بود در تابه حمام دلم رفت چو ماهی

در جوش و در بام ز نظاره دیدار او رفت فغانی به سر صفا حمام

جانم پر از اندیشه نسرین بدنی بود... نی زهره آهی نه مجال سخنی بود

گرما به نه کز خلد برین انجمنی بود... چون قالب جان رفته درون کفنی بود (بابا فغانی، ۱۳۴۰: ۲۵۳-۲۵۴)

فغانی در غزل زیر هم کاملاً به سبک وقوع نزدیک شده است:

گر می روم نزدیک او شوق وصال می کشد و ر می نشینم گوشه‌ای تنها، خیالم می کشد

بی شمع خود گر می روم در کنج تنهایی خویش گه غصه خونم می خورد گاهی خیالم می کشد (همات، ۲۴۹)

۲) شیوه تمثیل‌گرایان سبک هندی (پیروان اسلوب معادله): در این شیوه یک مصراع که معمولاً «پیش مصرع» نامیده می‌شود، به وسیله تشبیه به مصراع دیگر که به آن «مصراع برجسته» می‌گویند، ارتباط می‌یابد. در این شیوه معمولاً پیش مصرع، معقول و مصراع برجسته، محسوس است. صائب و کلیم از مقتدرترین شاعران این اسلوب به شمار می‌آیند.

البته اگر بخواهیم نام دقیق تری برای این اسلوب، ارائه دهیم، بهتر است آن را «اسلوب معادله» بنامیم. شفیع کدکنی این اصطلاح را برای متمایز کردن این شیوه از سایر انواع تمثیل ساخته است و خود در این باره می‌نویسد: «اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند، هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آن‌ها را حتی معنأ (نه فقط به لحاظ نحو) هم، مرتبط نکند. در صورتی که در اغلب مواردی که به عنوان تمثیل ذکر شده است، این استقلال نحوی مورد بحث و توجه قرار نگرفته است» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۴: ۶۳). به این ابیات از صائب توجه کنید:

در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود تیر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود

۳) شیوه خیال‌بندان سبک هندی (پیروان طرزخیال): بنای کار این شیوه بر خیال‌پردازی و برقراری روابط تشبیهی دور و دراز بین کلمات است، حتی روابط تمثیلی بین مصراع‌ها نیز مبتنی بر نازک خیالی است. این شیوه بیشتر در هندوستان طرفدار داشته است و شاعرانی چون میرزا جلال اسیرشهرستانی، شوکت بخاری، زلالی خوانساری، ناصرعلی سرهندي، بیدل دهلوی و... از پیروان این طرز به شمار می‌آیند. فهم شعر شاعران خیال‌بند بسیار دشوار است؛ گویی هر بیت معمایی است که باید به

حل آن پرداخت، ابیاتی که گاه با ساعت ها تلاش ذهنی هم نمی توان به مفهوم آن پی برد. این شیوه با افراط در برخی مختصات سبکی شیوه پیشین به وجود آمده است و از این طریق با شعر بابافغانی ارتباط دارد و گرنه در غزلیات بابا، بییتی که از نظر ابهام با اشعار شعرای اخیر قابل مقایسه باشد دیده نمی شود. (حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۶۲)

## نتیجه گیری

تأثیر گذاری عمیق بابافغانی بر جریان های شعری عصر صفوی غیر قابل انکار است. بابا از شاعرانی است که باید بیشتر به او پرداخت؛ چرا که به عنوان نقطه تحوّل در شعر فارسی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

## منابع:

- ۱- امین احمد رازی. (۱۳۴۰). هفت اقلیم، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ۲- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی الدین. (۱۳۸۸). عرفات العاشقین و عرصات العارفين، ج ۵ (ف-م) مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۳- بابا فغانی شیرازی. (۱۳۴۰). دیوان، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال.
- ۴- حسن پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). طرز تازه (سبک شناسی غزل سبک هندی)، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- سام میرزا صفوی. (۱۳۸۴ش). تحفة سامی، تصحیح و تحشیه رکن الدین همایون فرخ، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۶- سنبهلی، حسین دوست. (۱۸۷۵). تذکرة حسینی، لکهنو.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴). شاعرآینه ها، تهران: انتشارات آگاه، چاپ ششم.
- ۸- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، تهران: انتشارات فردوس، چاپ چهارم.
- ۹- گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۴). مکتب وقوع در شعر فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۴). ریاض الشعراء، ج ۳، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۱- یار شاطر، احسان. (۱۳۸۳). شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.